

فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال ۶، شماره پیاپی ۲۱، بهار ۱۳۹۵

شاپای چاپی: ۶۷۳۵-۲۲۵۱ - شاپای الکترونیکی: ۷۰۵۱-۲۴۲۳

<http://jzpm.miau.ac.ir>

بررسی رابطه‌ی بین سطح توسعه‌یافتگی با میزان اعتبارات و منابع مالی در کلان‌شهر تهران

رحمان جهانی دولت آباد^۱: دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

علی اسدی: استادیار گروه اقتصاد و مدیریت، دانشگاه جامع امام حسین، تهران، ایران

اسماعیل جهانی دولت آباد: استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

جعفر موسی‌وند: دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

دریافت: ۱۳۹۳/۸/۱۲ صص ۱۱۷-۱۲۸ پذیرش: ۱۳۹۴/۴/۱۴

چکیده

امروزه تخصیص و توزیع نامناسب اعتبارات در مناطق شهری بویژه در کلان‌شهرها به یک مسئله حاد اقتصادی- اجتماعی بدل گشته است. به گونه‌ای که بخشی از نابرابری‌ها در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و در مجموع توسعه‌نیافتگی مناطق، اغلب متأثر از توزیع ناعادلانه اعتبارات بوده است. این پژوهش با هدف سنجش و مقایسه مناطق ۲۲ گانه کلان‌شهر تهران از منظر رابطه بین سطح توسعه‌یافتگی و میزان اعتبارات و منابع متمرکز هر منطقه در راستای عدالت توزیعی انجام یافته است. بنابراین از نظر هدف، تحقیقی کاربردی و بر حسب ماهیت تحقیقی توصیفی- تحلیلی می‌باشد. محدوده جغرافیایی مورد پژوهش، کلان‌شهر تهران و جامعه آماری آن مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران است. تعداد نمونه این پژوهش بر حسب ماهیت موضوع و حجم پایین تعداد جامعه آماری، همان ۲۲ منطقه در نظر گرفته شد. گردآوری داده‌ها بصورت کتابخانه‌ای بوده است. برای سطح‌بندی مناطق بر اساس شاخص‌های توسعه‌یافتگی (شاخص‌های کاربری زمین، عناصر خدماتی و اقتصادی شهر)، از مدل تاپسیس استفاده شده است. همچنین از روش‌های آماری نظیر ضرایب رابطه دو متغیره ترتیبی از جمله گاما و جدول تقاطعی برای نشان دادن نوع و چگونگی رابطه بین متغیرهای تحقیق استفاده گردیده است. از نرم‌افزارهای تجزیه و تحلیل مورد استفاده در این رابطه نیز می‌توان به نرم‌افزارهای *EXCEL*، *SPSS*، *GIS* اشاره کرد. نتایج این پژوهش نشان داد بین سطح توسعه‌یافتگی و میزان اعتبارات در بین مناطق ۲۲ گانه کلان‌شهر تهران رابطه معنی‌دار وجود دارد. بدین ترتیب که مناطق توسعه‌یافته اعتبارات زیادتری نسبت به مناطق در حال توسعه و یا توسعه نیافته به خود اختصاص می‌دهند. اما این موضوع با عدالت توزیعی منافات داشته و در واقع وضعیت حاکم بر مناطق ۲۲ گانه کلان‌شهر تهران از این منظر رضایتبخش نبوده و در راستای عدالت نیست.

واژه‌های کلیدی: منابع مالی، سطح توسعه‌یافتگی، اعتبارات، عدالت توزیعی، کلان‌شهر تهران.

^۱ - نویسنده مسئول: jahani_rahman@yahoo.com؛ ۹۳۶۴۱۹۶۳۵۴

بیان مسأله:

تمرکز نامعقول و نامتناسب در عرصه‌های زیستی، توسعه‌ی اقتصادی- اجتماعی نابرابر نواحی جغرافیایی را در پی خواهد داشت، موضوعی که بازتاب آن را در چشم‌انداز جغرافیایی شهرها و رشد فضایی ناهمگون آن‌ها نیز می‌توان یافت (قائد رحمتی، ۱۳۸۹: ۹۸). بسیاری از نظریه‌پردازان توسعه، مانند میردال (۱۹۷۰) و تودارو (۱۳۶۵) بر کاهش نابرابری و رفع دوگانگی‌های اقتصادی و اجتماعی به عنوان یکی از اهداف اساسی توسعه تأکید دارند. نبود توازن در جریان توسعه بین مناطق گوناگون، موجب ایجاد شکاف و تشدید نابرابری منطقه‌ای می‌شود که خود مانعی در مسیر توسعه است (آهنگری، ۱۳۸۶: ۱۵۹). در واقع توزیع فضای ناهمگن منابع و همچنین عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی و اقلیمی مناطق ممکن است دارای سطحی مناسب نبوده و بدین ترتیب مراتب گوناگونی از توسعه‌یافتگی را در بین مناطق ایجاد کند (مولایی، ۱۳۸۶: ۳۸).

تخصیص و توزیع نامناسب منابع مالی متمرکز بویژه در کلان‌شهرها یکی از مسائل عمده در این خصوص است که اثرات ناخوشایند حاصل از عدم تعادل فضایی و ارائه نامطلوب امکانات و خدمات در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مناطق در شهرها را دو چندان کرده (سلیمی‌فر، ۱۳۸۱: ۶۵) و در نهایت توسعه‌یافتگی مناطق مختلف آن در بخش‌های مختلف اقتصادی- اجتماعی را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد (تقیلو، ۱۳۹۳: ۸۶). به طوری که بعضی از مناطق ممکن است از لحاظ شاخص‌های مختلف توسعه‌یافتگی وضعیت مناسبی داشته، ولی برخی دیگر عقب مانده باشند (زیاری، ۱۳۸۷: ۷۸). مهم‌ترین پیامد اجتماعی گریزناپذیر عدم تعادل‌های ناحیه‌ای، مهاجرت‌های غیرطبیعی با نرخ‌های بالا از مناطق محروم به مناطق برخوردار می‌باشد. نتیجه این امر رشد سریع و ناپه‌نجار در یک یا چند منطقه و بروز انواع ناهنجاری‌های شهری در این مناطق است (مویر، ۱۳۸۰: ۲۰۹).

از دیدگاه بسیاری از اقتصاددانان، تفاوت در شکوفایی اقتصادی و رفاه ساکنان دو طرف یک مرز جغرافیایی- سیاسی به شدت از دو عامل سطوح منابع موجود و تخصیص و مدیریت آن تأثیر می‌پذیرد. این نحوه مدیریت منابع در دسترس یک ملت است که رفاه و بهزیستی را به ارمغان آورده (Shorrocks et al, 2004: 1) و کارآمدی واحدهای فضایی شهری (پویایی شهر) در سطوح مختلف نظام و بخش‌های شهری را به روش دلخواه و درجات توسعه پایدار حفظ می‌کند (Bikas, 1998). از این منظر ناهماهنگی فضایی در استانداردهای زندگی بین مناطق شهر باید با مدیریت بهینه شهری تا حد ممکن حذف یا تعدیل شود. زیرا ناهماهنگی در استانداردهای زندگی، انعکاسی از ناهماهنگی درآمدها می‌باشد. بدین سان انجام صحیح وظایف متنوع و گسترده امروزی مدیریت شهری در وضعیت کنونی کلان‌شهر تهران، بسترهای قانونی لازم جهت مدیریت و تخصیص متناسب منابع مالی را طلب می‌نماید. لذا شناخت دقیق از ظرفیت‌ها و کمبودهای قانونی مناطق شهری از منظر نیاز به منابع مالی متمرکز، چشم‌انداز روشنی را از میزان تعادل فضایی ارائه و به تبع آن رویکردهای آتی به منظور وضع قوانین و مقررات مالی مورد نیاز را به نمایش می‌گذارد. هدف این مطالعه ارائه تصویری نمایان از سطح توسعه‌یافتگی مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران و ترسیم رابطه آن با میزان اعتبارات و منابع متمرکز هر منطقه در راستای عدالت اجتماعی است. در راستای هدف فوق سؤال اصلی و کلی تحقیق بدین شکل طرح می‌گردد: «آیا بین سطح توسعه‌یافتگی و میزان اعتبارات در بین مناطق ۲۲ گانه کلان‌شهر تهران رابطه معنی‌دار وجود دارد؟» جهت پاسخ به سؤال سعی شده است تا در گام نخست نسبت به تعیین سطح توسعه‌یافتگی مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران بر مبنای شاخص‌های توسعه اقدام و سپس تنگناهای توسعه‌ای هر منطقه شهری با میزان اعتبارات تخصیص یافته برای هر کدام مورد مقایسه و تحلیل قرار گرفته و در نهایت وضعیت میزان اعتبارات و منابع مالی تخصیص یافته به هر یک از مناطق شهرداری تهران به منظور ترسیم نوع ارتباط بین میزان اعتبارات با درجه توسعه‌یافتگی مناطق مشخص گردد.

پیشینه نظری تحقیق:

در راستای مطالعات پیشینه تحقیق؛ به غیر از مقاله جدیدی میان‌دستی (۱۳۸۳) با عنوان «توزیع متعادل منابع مالی به روش سطح بندی توسعه مناطق» که تا حدودی مستقیم به موضوع مورد نظر این مطالعه پرداخته است، بقیه مطالعاتی هستند

که به طور غیر مستقیم این موضوع را پوشش داده و می‌توانند مسیر آن را در دستیابی به نتایج قابل قبول تا حدودی هموار نمایند. گزیده‌ای از این مطالعات در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول ۱- مطالعات مرتبط با سطح توسعه یافتگی و منابع مالی

محقق	عنوان مطالعه	شرح و نتایج
جدیدی میان-دشتی (۱۳۸۳)	توزیع متعادل منابع مالی به روش سطح بندی توسعه مناطق	در الگوی ارائه شده بر مبنای سطح بندی مبتنی بر نیازهای شهری هر استان، استان خراسان بیشترین سهم و استان قم کمترین سهم را از اعتبارات متمرکز به خود اختصاص داده‌اند.
مرصوسی (۱۳۸۳)	توسعه یافتگی و عدالت اجتماعی شهر تهران	وجود نابرابری فضایی استانداردهای زندگی بین مناطق تهران و ادامه روند افزایشی آن از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ نتیجه این مطالعه است.
منفردیان سروسنایی (۱۳۸۶)	رتبه بندی مناطق مختلف شهری شهر شیراز از لحاظ درجه توسعه یافتگی	ارزیابی شاخص‌های آموزشی، فرهنگی، بهداشتی و خدمات عمومی نشان داد که در مورد روند نابرابریها در مناطق شهر شیراز شاهد کاهش روند نابرابریها هستیم.
رفعیان و شالی (۱۳۹۱)	تحلیل فضایی سطح توسعه یافتگی تهران به تفکیک مناطق شهری	کلان شهر تهران فاقد وحدت کالبدی- اجتماعی بوده و ناهمگونی‌های فضایی بین مناطق شمالی و جنوبی آن به عنوان ویژگی اصلی ساختار فضایی کلان شهر تهران همچنان پابرجاست.
منتظری و ملازاده (۱۳۹۱)	تنوع و پایداری درآمدی در اقتصاد شهری با تأکید بر مشارکت‌های شهروندی	پایه اقتصادی، منبع اصلی تنوع و پایداری درآمدی برپا مدیریت شهری است و افزایش آگاهی عمومی شهروندان از هزینه‌های مدیریت شهری مشوق مشارکت در زمینه تأمین منابع مالی شهرداری باشد.
تقوایی و صالحی (۱۳۹۲)	سنجش سطوح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان همدان	شهرستان همدان به عنوان برخوردارترین و شهرستان کیودرآهنگ در دو تکنیک امتیاز استاندارد شده و مورس و شهرستان فامنین در تکنیک تاکسونومی به عنوان محروم-ترین شهرستان‌های استان می‌باشند.

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۴.

تمایل ملت‌ها برای رسیدن به رفاه و آبادانی همراه با حفظ هویت و کرامت ریشه در تاریخ دارد. این امر در دهه‌های اخیر تحت عنوان توسعه مطرح شده است (صدقی بوکانی و صلاح صوفی، ۱۳۸۹: ۱۰۷). بطور کلی توسعه باید جامع، یکپارچه و چند بعدی باشد و در بعد فرهنگی، در بعد سیاسی آزادی و در روابط و مناسبات اجتماعی عادلانه، محورهای اصلی توسعه را شکل می‌دهند (تقوایی و صالحی، ۱۳۹۲: ۱۲۱). در این بین توسعه اقتصادی نیز فرآیندی است که طی آن درآمد سرانه افزایش یافته و بطور مناسب توزیع می‌شود و در جریان آن سطح زندگی و کیفیت زندگی مردم ارتقاء می‌یابد. در حال حاضر یکی از مهم‌ترین معیارهای توسعه اقتصادی، توزیع مناسب و متعادل درآمد است. توزیع مناسب درآمد بدون دخالت دولت صورت نمی‌گیرد زیرا بخش خصوصی در کشورهای در حال گذر ناکارآمد بوده و تخصیص منابع را به سمت اهداف سود آور کوتاه‌مدت هدایت می‌کند و توزیع درآمد را به شدت نابرابر می‌نماید. از طرف دیگر برخی از اقتصاددانان علت توزیع نابرابر درآمد را توزیع ناعادلانه ثروت و دارایی می‌دانند. بنابراین پیشنهاد می‌کنند برای از بین بردن نابرابریهای درآمدی باید توزیع عادلانه ثروت و دارایی انجام گیرد تا به دنبال آن توزیع درآمد عادلانه شود.

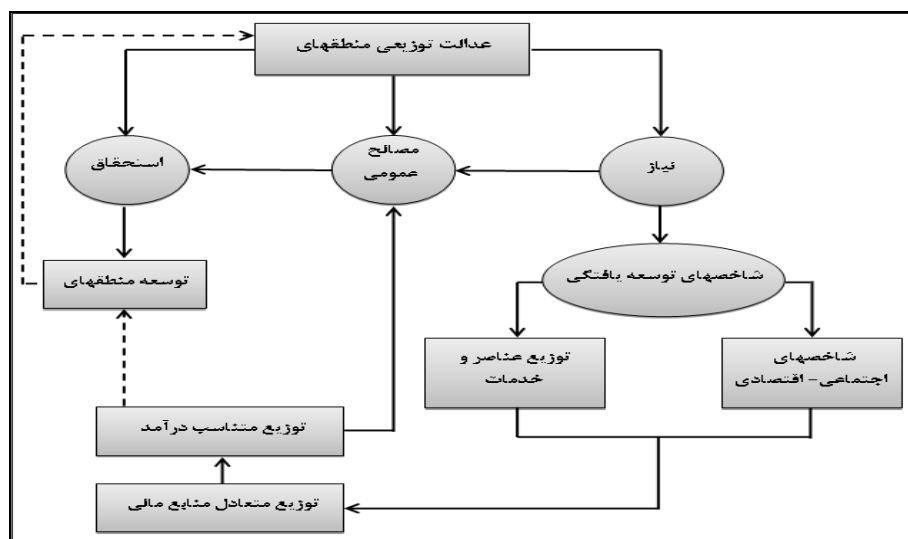
برای دستیابی به تعادل درون و میان منطقه‌ای در قالب توسعه‌ای فراگیر نیز می‌بایست در وهله اول عدالت توزیعی منطقه‌ای را مورد توجه قرار داد. اولین قدم در راه تدوین اصول توزیع عادلانه منطقه‌ای تعیین مفهوم هر یک از سه معیار فوق (نیاز، منفعت عمومی و استحقاق) در چارچوب منطقه ای است. سپس باید ابزار مناسبی برای ارزشیابی و اندازه‌گیری توزیع بر حسب این معیارها به دست آورد. می‌توان ترکیبی از این سه معیار (احتمالاً با دادن اهمیت بیشتر به برخی از آنها) را در قالب نظریه‌ای برای ارزشیابی تخصیص منابع به مناطق مختلف به کار گرفت. دیویس که برای اولین بار اصطلاح «عدالت منطقه‌ای» را مطرح ساخت، در کتاب خود بسیاری از مسائلی که ما اکنون با آن روبرو هستیم را بررسی کرده است (Davies, 1968: 137). برخی از این مفاهیم به شرح زیر بیان می‌شوند:

نیاز: نیاز مفهومی نسبی است که به موازات تحول جامعه و شعور افراد تحول می‌یابد. نیاز را می‌توان بر حسب مقولات مختلف فعالیت تعریف کرد. نه مورد از این مقولات کم و بیش ثابت یعنی خوراک، مسکن، خدمات بهداشتی، تحصیلات، خدمات اجتماعی و خدمات مربوط به محیط زیست، کالاهای مصرفی، تأسیسات تفریحی، دلپذیری محله و وسایل حمل و نقل را می‌توان نام برد.

کمک به مصالح عمومی: در اینجا مسئله اصلی این است که تخصیص منابع به یک منطقه چگونه در وضع سایر مناطق تأثیر می‌گذارد. کاربرد مفهوم مصالح عمومی (و یا زیان همگانی در مورد آلودگی) مستلزم آن است که با استفاده از تکنولوژی موجود مسائلی چون انتقالات درآمد بین منطقه‌ای، تأثیرات گسترده فضایی و مانند آن‌ها را بهتر بشناسیم، زیرا نتایج عملی یا بالقوه‌ای در توزیع درآمد در جامعه دارند.

در نهایت می‌بایست عنوان کرد که مناطقی به عنوان مناطق توسعه‌یافته شناخته می‌شوند که شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی آن‌ها در وضعیت دلخواهی باشد و در عین حال، توزیع امکانات و خدمات در آن‌ها متعادل باشد. در حالی که، وضعیت نامناسب شاخص‌ها و توزیع نامتعادل امکانات از ویژگی‌های مناطق توسعه‌نیافته به شمار می‌رود (مصلی نژاد، ۱۳۸۴: ۵۶). وجود نابرابری‌ها و تفاوت‌های منطقه‌ای که علاوه بر ویژگی‌های طبیعی، اقتصادی و اجتماعی، متأثر از سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌هاست، برنامه‌ریزان را بر آن داشته که تکنیک‌ها و روش‌هایی را ابداع کنند تا از راه درجه توسعه‌یافتگی و رتبه بندی مناطق، بتوانند به شناخت و تحلیل علل یا عوامل نابرابری‌ها و تفاوت‌های منطقه‌ای دست یابند (بدری و اکبریان‌رونیزی، ۱۳۸۵: ۶). در این خصوص می‌توان از شاخص‌های اجتماعی (فرجادی، ۱۳۷۰: ۱۲۳)، شاخص ترکیبی توسعه، شاخص ترکیبی توسعه اجتماعی، شاخص کیفیت فیزیکی زندگی (تقوایی و قائد رحمتی، ۱۳۸۵: ۱۲۱-۱۲۰)، شاخص توسعه انسانی (باصری و فرهادی کیا، ۱۳۸۷: ۶) و ... به عنوان روش‌های اندازه‌گیری سطح توسعه نام برد.

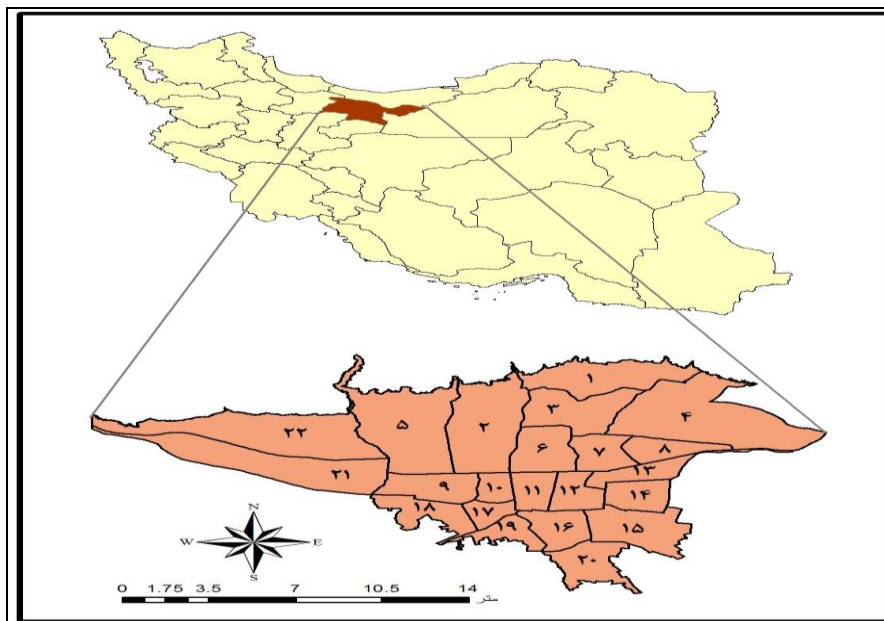
با دقت در مباحث نظری فوق می‌توان چنین عنوان کرد که تفاوت میان نیازها و تخصیص واقعی منابع (منابع مالی) برای ارزشیابی میزان بی‌عدالتی منطقه‌ای و از این منظر ارائه الگوی بهینه تخصیص منابع مالی متمرکز در قالب توازن و توسعه منطقه‌ای، بواسطه شاخص‌های توسعه‌یافتگی در نظام موجود قابل حصول است. بر مبنای یک نگاه همه‌جانبه به مباحث نظری بویژه پذیرش دیدگاه نظری در نزد دیویس در خصوص عدالت توزیعی منطقه‌ای، مدل مفهومی تحقیق حاضر به شکل زیر نشان داده می‌شود:



شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش - مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۴.

محدوده مورد مطالعه:

شهر تهران در مرکز استان تهران با مساحتی بالغ بر ۸۰۰ کیلومتر مربع واقع شده و از نظر موقعیت جغرافیایی در ۵۱ درجه و ۸ دقیقه تا ۵۱ درجه و ۳۷ دقیقه طول شرقی و ۳۵ درجه و ۳۴ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۵۰ دقیقه عرض شمالی قرار گرفته است، و ارتفاع آن از ۱۷۰۰ متر در شمال به ۱۲۰۰ متر در مرکز و بالأخره ۱۱۰۰ متر در جنوب می‌رسد. (شکل شماره ۲). این شهر مجموعاً دارای ۲۲ منطقه شهرداری، ۱۲۳ ناحیه و ۳۷۴ محله اعلام گردیده است. بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰ کل جمعیت شهر ۸۱۵۴۰۵۱ می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰).



شکل ۲- موقعیت سیاسی - جغرافیایی مناطق ۲۲ گانه شهر تهران

روش تحقیق:

فرضیه اصلی تحقیق بدین شکل طرح می‌شود: «به نظر می‌رسد بین سطح توسعه‌یافتگی مناطق و اعتبارات متمرکز تخصیص یافته به هر منطقه رابطه معناداری وجود دارد». در این راستا و با توجه به اینکه تحقیق حاضر به دنبال ارائه تصویری نمایان از سطح توسعه‌یافتگی مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران و ترسیم رابطه آن با میزان اعتبارات و منابع متمرکز هر منطقه در راستای عدالت اجتماعی است، لذا از نظر هدف، تحقیقی کاربردی و بر حسب ماهیت تحقیق توصیفی-تحلیلی می‌باشد. محدوده جغرافیایی مورد پژوهش، کلان‌شهر تهران و جامعه آماری آن مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران است. تکنیک گردآوری داده‌ها بصورت کتابخانه‌ای بوده است. سطح بندی مناطق و تعیین نیازهای آن در قبال اعتبارات تخصیصی به هر منطقه بر مبنای مدل تاپسیس^۱ انجام گرفته است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهایی مانند *SPSS*، *EXCEL* و *GIS* و همچنین از روش‌های آماری نظیر ضرایب رابطه دو متغیره ترتیبی از جمله گاما و جدول تقاطعی برای نشان دادن نوع و چگونگی رابطه بین متغیرهای تحقیق استفاده گردیده است. شاخص‌های مورد بررسی، ۲۶ شاخص انتخابی در بخش‌های کاربری زمین شهری، عناصر خدمات شهری و اقتصادی است که از راه سرشماری عمومی نفوس و مسکن و سالنامه‌های آماری سال ۱۳۹۰ جمع‌آوری شده‌اند. (جدول شماره ۲).

^۱ - TOPSIS Model

جدول ۲- شاخص‌های سنجش سطوح توسعه یافتگی مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران

ردیف	نوع شاخص‌ها	انواع داده‌ها
۱	توزیع کاربری زمین شهری	کاربری تجاری، کاربری اداری، کاربری فضای سبز، کاربری آموزشی، کاربری نظامی، کاربری صنعتی، کاربری تفریحی، اراضی بایر
۲	توزیع عناصر خدمات شهری	ایستگاه‌های آتش نشانی و خدمات ایمنی، کلانتری‌ها، دفاتر پلیس +۱۰، مساجد و حسینیه‌ها، بوستان‌ها، میانگین فضای سبز، درصد خانوارهای متصل به شبکه فاضلاب شهری، درصد میزان وقوع حوادث منجر به اختلال زندگی، درصد مرگ و میر کودکان زیر ۶ سال به تفکیک
۳	شاخص‌های اقتصادی	قانون گذاران و مقامات عالی رتبه، متخصصین، کارمندان، صنعتگران، خدماتی و فروشندگان، متصدیان و اپراتورهای ماشین، کشاورزی و ماهیگیری، تکنسینها و کارکنان نیمه ماهر، مشاغل ابتدایی بیکاران

یافته‌های پژوهش:

تحلیل و سپس نتایج حاصل از داده‌های مورد بررسی در این مطالعه را می‌توان حول محور اصلی «ترسیم رابطه بین سطح توسعه یافتگی و میزان اعتبارات هر منطقه»، و سه محور فرعی شامل «سطح بندی مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران»، «تحلیل مقایسه‌ای بین مناطق از لحاظ میزان اعتبارات و سطح توسعه یافتگی» و «تعیین نوع و چگونگی رابطه بین میزان اعتبارات و درجه توسعه یافتگی مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران» مورد بحث قرار داد.

سطح بندی مناطق بر اساس توسعه یافتگی:

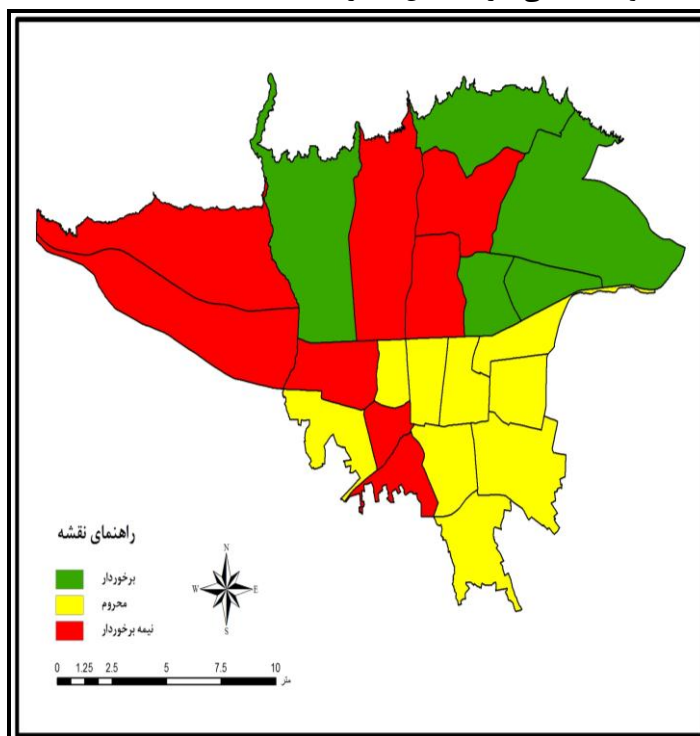
جدول شماره ۳ نتایج حاصل از سطح بندی مناطق ۲۲ گانه از منظر میزان توسعه یافتگی بر مبنای تلفیقی از شاخص‌های کاربری زمین، عناصر خدمات شهری و شاخص‌های اقتصادی را نشان می‌دهد.

جدول ۳- رتبه بندی مناطق بر حسب شاخص کل (کاربری، خدمات، اقتصادی)

شاخص کل							
ردیف	میزان تاپسیس	رتبه بندی	درجه توسعه یافتگی	ردیف	میزان تاپسیس	رتبه بندی	درجه توسعه یافتگی
۱	۰.۷۶	منطقه ۵	برخوردار	۱۴	۰.۱۱	منطقه ۱۶	محروم
۲	۰.۶۹	منطقه ۷	برخوردار	۱۵	۰.۱	منطقه ۱۱	محروم
۳	۰.۶۸	منطقه ۴	برخوردار	۱۶	۰.۱	منطقه ۱۲	محروم
۴	۰.۶۷	منطقه ۱	برخوردار	۱۷	۰.۰۹	منطقه ۱۸	محروم
۵	۰.۶۳	منطقه ۸	برخوردار	۱۸	۰.۰۹	منطقه ۱۰	محروم
۶	۰.۴۸	منطقه ۲۲	نیمه برخوردار	۱۹	۰.۰۸	منطقه ۲۰	محروم
۷	۰.۳	منطقه ۶	نیمه برخوردار	۲۰	۰.۰۷	منطقه ۱۳	محروم
۸	۰.۲۹	منطقه ۱۹	نیمه برخوردار	۲۱	۰.۰۵	منطقه ۱۴	محروم
۹	۰.۲۸	منطقه ۲۱	نیمه برخوردار	۲۲	۰.۰۵	منطقه ۱۵	محروم
۱۰	۰.۲۶	منطقه ۱۷	نیمه برخوردار	۲۳	-	-	-
۱۱	۰.۲۳	منطقه ۳	نیمه برخوردار	۲۴	-	-	-
۱۲	۰.۲۱	منطقه ۹	نیمه برخوردار	۲۵	-	-	-
۱۳	۰.۱۸	منطقه ۲	نیمه برخوردار	۲۶	-	-	-

مأخذ: مطالعات نگارندگان، ۱۳۹۴.

جدول ۳ نشان می‌دهد که مناطق ۵، ۷، ۴، ۱ و ۸ با میزان تاپسیس ۰.۷۶، ۰.۶۹، ۰.۶۸، ۰.۶۷ و ۰.۶۳ به ترتیب در رتبه اول تا پنجم سطح توسعه‌یافتگی کلی مناطق قرار دارند. مناطق ۲۲، ۶، ۱۹، ۲۱، ۱۷، ۳، ۹ و ۲ نیز در ردیف مناطق نیمه-برخوردار و بقیه مناطق ۲۲گانه نیز جزو مناطق محروم به حساب می‌آیند. نکته قابل توجه این است که منطقه ۵ تنها منطقه‌ای است که از منظر هر سه شاخص توسعه‌یافتگی در ردیف مناطق برخوردار قرار داشته است که نشان از پایداری نسبتاً متعادل منطقه مذکور از لحاظ شاخص‌های توسعه‌یافتگی دارد. (شکل شماره ۳).



شکل ۳- تقسیم‌بندی مناطق ۲۲گانه تهران بر حسب روش تاپسیس

وضعیت اعتبارات و منابع متمرکز به تفکیک مناطق:

همانطور که گفته شد در اینجا سعی شده است تا با تحلیل مقایسه‌ای بین مناطق از لحاظ میزان اعتبارات و سطح توسعه-یافتگی آنها، وضعیت مناطق ۲۲گانه از منظر فوق مورد شناسایی قرار گیرد. بدین منظور بودجه مصوب سال ۹۱ برای هر یک از مناطق شهرداری به همراه سطح‌بندی نهایی از میزان توسعه‌یافتگی مناطق ۲۲گانه حاصل از مدل تاپسیس مورد استفاده قرار گرفته و نتایج حاصل از آن در جدول شماره ۴ آمده است.

جدول ۴- مقایسه میزان اعتبارات و درجه توسعه یافتگی هر منطقه

درجه توسعه یافتگی			میزان اعتبارات			مناطق
۴	۱۰.۵۲	۰.۶۷	۲	۶.۷۶	۱۱۳۳۶۹۳۰۰۰۰۰۰	منطقه ۱
۱۳	۲.۸۶	۰.۱۸	۱	۶.۹۵	۱۱۶۵۴۵۷۰۰۰۰۰۰	منطقه ۲
۱۱	۳.۵۹	۰.۲۳	۱۰	۴.۶۹	۷۸۵۳۰۹۰۰۰۰۰۰	منطقه ۳
۳	۱۰.۵۸	۰.۶۸	۳	۶.۴۶	۱۰۸۲۰۰۰۰۰۰۰۰	منطقه ۴
۱	۱۱.۸۲	۰.۷۶	۷	۵.۶۳	۹۴۴۰۰۰۰۰۰۰۰	منطقه ۵
۷	۴.۶۲	۰.۳۰	۱۶	۳.۴۱	۵۷۰۹۵۰۰۰۰۰۰	منطقه ۶
۲	۱۰.۸۱	۰.۶۹	۱۲	۴.۳۶	۷۳۰۹۴۹۰۰۰۰۰۰	منطقه ۷
۵	۹.۹۰	۰.۶۳	۲۲	۲.۵۰	۴۱۸۷۲۸۰۰۰۰۰۰	منطقه ۸
۱۲	۳.۳۴	۰.۲۱	۲۱	۲.۶۷	۴۴۷۳۹۸۰۰۰۰۰۰	منطقه ۹
۱۸	۱.۳۴	۰.۰۹	۲۰	۲.۷۰	۴۵۳۰۰۰۰۰۰۰۰	منطقه ۱۰
۱۵	۱.۵۶	۰.۱۰	۱۸	۳.۳۹	۵۶۸۱۵۰۰۰۰۰۰	منطقه ۱۱
۱۶	۱.۵۴	۰.۱۰	۸	۵.۲۸	۸۸۴۸۰۰۰۰۰۰۰۰	منطقه ۱۲
۲۰	۱.۱۵	۰.۰۷	۱۴	۳.۶۷	۶۱۵۵۳۲۰۰۰۰۰۰	منطقه ۱۳
۲۱	۰.۷۹	۰.۰۵	۱۵	۳.۶۵	۶۱۱۱۵۰۰۰۰۰۰	منطقه ۱۴
۲۲	۰.۷۴	۰.۰۵	۵	۵.۷۰	۹۵۵۵۷۰۰۰۰۰۰	منطقه ۱۵
۱۴	۱.۷۰	۰.۱۱	۱۳	۴.۳۴	۷۲۷۰۸۵۰۰۰۰۰۰	منطقه ۱۶
۱۰	۴.۱۱	۰.۲۶	۱۹	۲.۸۶	۴۷۹۳۵۰۰۰۰۰۰	منطقه ۱۷
۱۷	۱.۴۲	۰.۰۹	۱۱	۴.۶۰	۷۷۱۲۰۰۰۰۰۰۰۰	منطقه ۱۸
۸	۴.۴۸	۰.۲۹	۴	۶.۲۳	۱۰۴۳۳۰۰۰۰۰۰۰۰	منطقه ۱۹
۱۹	۱.۳۲	۰.۰۸	۶	۵.۶۵	۹۴۶۴۵۰۰۰۰۰۰	منطقه ۲۰
۹	۴.۴۰	۰.۲۸	۱۷	۳.۴۱	۵۷۰۷۵۰۰۰۰۰۰۰	منطقه ۲۱
۶	۷.۴۲	۰.۴۸	۹	۵.۰۹	۸۵۳۶۵۰۰۰۰۰۰۰	منطقه ۲۲

مأخذ: معاونت برنامه‌ریزی و توسعه شهری اداره کل برنامه و بودجه، نگارندگان، ۱۳۹۴.

طبق جدول فوق از بین مناطق برخوردار به لحاظ اعتبارات، منطقه ۱۵ به عنوان رتبه پنجم بابت تخصیص ۵.۷۰ درصد از کل اعتبارات به خود، بیشترین اختلاف را با رتبه مربوط به میزان توسعه یافتگی اش یعنی رتبه ۲۲ نشان می‌دهد. در گروه دوم از مناطق یعنی مناطق نیمه‌برخوردار به لحاظ تخصیص اعتبار به خود، منطقه ۲۰ به عنوان رتبه اول این گروه به لحاظ اختصاص ۵.۶۵ درصد اعتبارات به خود و کسب رتبه ۶ از این بابت، بیشترین اختلاف را با رتبه مربوط به میزان توسعه یافتگی - اش (رتبه ۱۹) دارد. در گروه سوم از مناطق یعنی مناطق محروم به لحاظ تخصیص اعتبار به خود، منطقه ۸ با اختصاص کمترین اعتبار به خود یعنی ۲.۵ درصد و کسب رتبه ۲۲ از این بابت، بیشترین اختلاف را با میزان توسعه یافتگی در بین مناطق این گروه به خود اختصاص می‌دهد و از این حیث در رتبه اول قرار دارد. بنابراین میزان توسعه یافتگی در منطقه ۱۵ و ۲۰ خیلی بیشتر از میزان اعتباراتی است که به آن تخصیص داده می‌شود و بالعکس میزان اعتبارات تخصیص یافته به منطقه ۸ شهرداری تهران بسیار بیشتر از میزان توسعه یافتگی منطقه مذکور بوده است.

بطور کلی ۱۲ منطقه از ۲۲ منطقه یعنی مناطق ۲، ۳، ۱۰ تا ۱۶ و ۲۰ دارای اعتبارات زیاد اما اختلاف اندک با سطح توسعه یافتگی هستند. این در حالی است که بقیه مناطق هم دارای سطح توسعه یافتگی زیاد و هم دارای اختلاف زیاد نسب به میزان اعتبارات می‌باشند. لذا مناطق برخوردار به لحاظ میزان اعتبارات تعادل بیشتری نسبت به سایر مناطق داشته و این موضوع بر اهمیت میزان اعتبارات به عنوان یکی از فاکتورهای عمده در عدالت توزیعی تأکید دارد.

رابطه بین اعتبارات و درجه توسعه یافتگی:

جهت بررسی رابطه بین دو متغیر، به جهت آنکه دو متغیر میزان اعتبارات و درجه توسعه یافتگی همانطور که در جدول شماره ۴ شرح آن گذشت، بصورت رتبه‌ای بوده است. بدین منظور از ضریب گاما برای تعیین سطح معنی‌داری و جدول تقاطعی برای شرح جزئیات بیشتر در خصوص چگونگی رابطه فوق استفاده شده است. برای دستیابی به این مهم یک سطح‌بندی در خصوص درصد میزان اعتبارات تخصیص یافته به مناطق همانند سطح‌بندی درجه توسعه یافتگی یعنی مناطق برخوردار، نیمه-برخوردار و محروم نیز تعیین شده است. حاصل آن ایجاد دو متغیر از نوع رتبه‌ای بوده است که برای تحلیل آن در نرم‌افزار SPSS، مناطق برخوردار به جهت اعتباری و توسعه‌یافتگی کد ۱، مناطق نیمه‌برخوردار کد ۲ و مناطق محروم از منظر فوق کد ۳ دریافت کرده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج حاصل از آن در جداول شماره ۵ قابل مشاهده است.

جدول ۵- ضرایب رابطه دو متغیر درجه توسعه‌یافتگی و میزان اعتبارات

		Value	Asymp. Std. Error ^a	Approx. Tb	Approx. Sig.
Ordinal by Ordinal	Gamma	.۶۹۶	.۱۸۴	۳.۰۵۰	.۰۰۲
N of Valid Cases		۲۲			

.a Not assuming the null hypothesis

.b Using the asymptotic standard error assuming the null hypothesis

همانگونه که در جدول ۵ قابل مشاهده می‌شود، ضریب گاما رقم ۰.۶۹۶ را نشان می‌دهد. از آنجا که سطح معنی‌داری (Sig) آن برابر ۰.۰۰۲ بوده و از ۰.۰۵ کمتر است، بنابراین ضریب بدست آمده قابل اعتماد و به جمعیت تعمیم‌پذیر است. اما همانطور که گفته شد در خصوص شرح جزئیات بیشتر در خصوص چگونگی این رابطه و به عبارت بهتر تعیین جهت این رابطه، اطلاعات جدول تقاطعی شماره ۶ قابل استفاده است.

جدول ۶- جدول تقاطعی دو متغیر درجه توسعه‌یافتگی و میزان اعتبارات

جمع	میزان اعتبارات			برخوردار	درجه توسعه-یافتگی
	محروم	نیمه برخوردار	برخوردار		
۵	۰	۲	۳	برخوردار	
۸	۳	۴	۱	نیمه برخوردار	
۹	۶	۲	۱	محروم	
۲۲	۹	۸	۵	جمع	

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۴.

جدول فوق نشان می‌دهد که ۳ مورد از مناطق دارای اعتبارات بیشتر و به نوعی برخوردار به لحاظ مالی، جزو مناطق توسعه یافته، ۱ مورد جزو مناطق نیمه توسعه‌یافته و ۱ مورد دیگر نیز در ردیف مناطق محروم جای می‌گیرند. از کل مناطق نیمه‌برخوردار به لحاظ منابع مالی، ۴ مورد بصورت نیمه‌برخوردار، ۲ مورد برخوردار و ۲ مورد دیگر نیز جزو مناطق محروم به لحاظ توسعه‌یافتگی بدست آمده است. از کل مناطق نیمه‌برخوردار به لحاظ مالی، بیشترین تعداد جزو مناطق نیمه‌برخوردار به لحاظ توسعه‌یافتگی نیز محسوب می‌شوند. در نهایت از کل مناطق محروم به لحاظ مالی نیز بیشترین تعداد مناطق یعنی ۶ مورد در ردیف مناطق محروم به لحاظ توسعه‌یافتگی نیز گزارش شده است. ۳ مورد از مناطق محروم به لحاظ مالی در ردیف مناطق نیمه‌برخوردار به لحاظ توسعه‌یافتگی قرار داشته و اما در خصوص مناطقی که دارای میزان اعتبارات پایینی بوده و در عین حال جزو مناطق برخوردار به لحاظ توسعه‌یافتگی باشند، هیچ موردی گزارش نشده است.

نتیجه‌گیری:

نتایج ارزیابی‌های به عمل آمده در خصوص تخصیص و توزیع منابع مالی متمرکز و ارتباط آن با توسعه‌یافتگی مناطق ۲۲ گانه کلان‌شهر تهران بیانگر چند نکته اساسی به شرح زیر است:

➤ بیشترین اختلاف بین اعتبارات و درجه توسعه یافتگی در بین مناطق برخوردار، نیمه برخوردار و محروم به لحاظ تخصیص منابع مالی متمرکز مربوط به مناطق ۱۵، ۲۰ و ۸ می‌باشد. به این ترتیب که میزان توسعه یافتگی در منطقه ۱۵ و ۲۰ خیلی بیشتر از میزان اعتباراتی است که به آن تخصیص داده می‌شود و بالعکس میزان اعتبارات تخصیص یافته به منطقه ۸ شهرداری تهران بسیار بیشتر از میزان توسعه یافتگی منطقه مذکور بوده است.

➤ مطابق با یافته‌های تحقیق، صرفاً منطقه ۴ به لحاظ تناسب سطح برخورداری از توسعه با اعتبارات و منابع مالی تخصیص یافته اثبات گردیده و منطقه ۳ و ۱۶ نیز اختلاف بسیار ناچیزی در این خصوص دارا می‌باشد.

➤ یافته‌ها نشان دادند که مناطق برخوردار به لحاظ میزان اعتبارات تعادل بیشتری نسبت به سایر مناطق داشته و این موضوع بر اهمیت میزان اعتبارات به عنوان یکی از فاکتورهای عمده در عدالت توزیعی تأکید دارد.

➤ بیشترین تعداد مناطق برخوردار به لحاظ توسعه یافتگی یعنی ۳ مورد از ۵ مورد، در ردیف مناطقی قرار دارند که به لحاظ میزان اعتبارات نیز در سطح برخورداری قرار گرفته‌اند. این وضعیت در گروه‌های نیمه‌برخوردار و محروم به لحاظ توسعه یافتگی و میزان اعتبارات نیز صادق است. در گروه نیمه برخوردار ۴ مورد و در گروه محروم نیز ۶ مورد چنین وضعیتی را دارا می‌باشند.

بطور کلی معنی‌داری رابطه بین دو متغیر سطح میزان اعتبارات و توسعه یافتگی بر مبنای ضریب گاما و همچنین روند خطی مستقیم بین دو متغیر مذکور بر مبنای جدول تقاطعی، حاکی از آن است که میزان اعتبارات و منابع مالی متمرکز در توسعه یافتگی مناطق ۲۲ گانه کلان‌شهر تهران تأثیر دارد. مناطقی که بطور متوسط دارای اعتبارات زیادی هستند، به لحاظ توسعه یافتگی نیز در وضعیت بهتری قرار دارند. یعنی همان وضعیتی که بر مناطق فوق حاکم بوده که این امر در راستای عدالت توزیعی نیست. بنابراین در راستای تأثیر و تأثر دو شاخص توسعه یافتگی و میزان اعتبارات بر یکدیگر، مناطقی که جزو مناطق محروم به لحاظ سطح توسعه یافتگی هستند بر مبنای عدالت توزیعی می‌بایست دارای اعتبارات مناسب‌تری نسبت به مناطق توسعه یافته باشند. بخصوص اینکه به لحاظ پتانسیل‌های جغرافیایی بعضاً این مناطق مستحق دریافت چنین اعتباراتی می‌باشند. به منظور تخصیص بهینه اعتبارات و منابع مالی متمرکز در راستای توسعه یافتگی مناطق ۲۲ گانه کلان‌شهر تهران پیشنهادهایی البته با اتکاء به اصل عدالت توزیعی و اولویت‌های ضرور در خصوص شاخص‌های توسعه یافتگی به کار گرفته شده در این مطالعه، به شرح زیر مطرح می‌گردد:

- افزایش اعتبارات و بودجه مناطق محروم به لحاظ توسعه یافتگی بویژه مناطق ۱۳، ۱۴ و ۱۵ که به ترتیب در رتبه‌های بیستم تا بیست و دوم سطح توسعه یافتگی در بین مناطق ۲۲ گانه کلان‌شهر تهران قرار دارند؛
- تعدیل در میزان اعتبارات و بودجه مناطق برخوردار به لحاظ توسعه یافتگی بویژه مناطق ۵، ۷ و ۴ که به ترتیب در رتبه‌های اول تا سوم درجه توسعه یافتگی در بین مناطق ۲۲ گانه قرار دارند؛
- وضع مالیات بر ارزش زمین در حوزه کاربری زمین به عنوان منبع درآمد مطمئن و پایدار از یک سو به دلیل سادگی و کم‌هزینه بودن اجرای آن و از سوی دیگر به دلیل درآمدزایی بیشتر آن نسبت به درآمد حاصل از فروش تراکم و صدور پروانه ساخت برای شهرداری‌ها بخصوص شهرداری‌های مناطق ۱۰، ۹ و ۸ که در مراتب پایین رتبه‌بندی به لحاظ میزان اعتبارات قرار دارند؛
- کارآمد نمودن نظام تشخیص اقتصادی منابع بواسطه عواملی چون نیروی انسانی کارآمد، ساختار سازمانی مناسب، آموزش تخصصی و حرفه‌ای مدیران، ایجاد و توسعه بانک اطلاعات و ضوابط و آئین نامه‌ها و دستور کارهای اجرایی در حوزه درآمدی به عنوان زیربنای رشد اقتصادی؛
- افزایش کمی و کیفی عناصر خدمات شهری در مناطق محروم و فراهم ساختن زمینه‌های مشارکت مردم در این امور برای کاهش هزینه‌های هنگفت سالانه شهرداری در خصوص ارائه خدمات شهری؛
- واگذاری طرح‌های فرمانطقه‌ای برای توسعه مناطق محروم بر این اساس که تأمین بودجه آن از محل منابع مالی متمرکز شهرداری کل کلان‌شهر تهران می‌باشد.

- از بین بردن رویکردهای صرف سیاسی در تخصیص اعتبارات از سوی شهرداری کلان‌شهر تهران و تأکید بر ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های جغرافیایی توسعه مناطق ۲۲ گانه از منظر تخصیص بودجه متناسب با هر منطقه.

منابع و مأخذ:

۱. ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۸): جامعه‌شناسی توسعه، انتشارات کیهان، چاپ هشتم، تهران.
۲. اسدی، علی (۱۳۶۹): «جامعه‌شناسی و توسعه»، فصلنامه مدیریت دولتی، شماره ۸، تهران، صص ۶۸-۵۱.
۳. آهنگری، عبدالمجید (۱۳۸۶): «مطالعه تطبیقی سطح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان لرستان به تفکیک بخشهای اقتصادی و اجتماعی»، مجله دانش و توسعه، شماره ۲۱، مشهد، صص ۱۶۹-۱۶۱.
۴. باصری، بیژن و علیرضا فرهادی کیا (۱۳۸۷): «تحلیل عوامل مؤثر بر شاخص توسعه انسانی در استان زنجان»، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال شانزدهم، شماره ۴۷، تهران، صص ۲۴-۵.
۵. بختیاری، صادق و همکاران (۱۳۹۰): «سنجش وضعیت توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان یزد با بهره‌گیری از رویکردهای تصمیم‌گیری با معیارهای چندگانه و تحلیل عاملی»، فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، سال هفدهم، شماره ۳، تهران، صص ۱۵۹-۱۳۱.
۶. بدری، سید علی و سعیدرضا اکبریان رونیزی (۱۳۸۵): «مطالعه تطبیقی کاربرد روش‌های سنجش توسعه یافتگی در مطالعات ناحیه‌ای (مورد شهرستان اسفراین)»، فصلنامه جغرافیا و توسعه، سال سوم، شماره ۹، زاهدان، صص ۲۲-۵.
۷. تقوایی، مسعود و مریم صالحی (۱۳۹۲): «سنجش سطوح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان همدان (با تأکید بر رویکرد تحلیل منطقه‌ای)»، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال سوم، شماره ۱۱، مرودشت، صص ۳۰-۱۹.
۸. تقوایی، مسعود و صفر قائد رحمتی (۱۳۸۵): «تحلیل شاخص‌های توسعه فرهنگی استان‌های کشور»، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۷، مشهد، صص ۱۳۲-۱۱۷.
۹. تقیلو، علی اکبر (۱۳۹۳): «تحلیل علی توسعه یافتگی و توسعه نیافتگی سکونتگاههای روستایی مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان ارومیه»، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال ۴، شماره ۱۵، مرودشت، صص ۱۰۲-۸۵.
۱۰. تودارو، مایکل (۱۳۷۰): توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، جلد یک، سازمان برنامه و بودجه، چاپ پنجم، تهران.
۱۱. الحق، محبوب (۱۳۶۸): «مردم و توسعه»، ترجمه غریب کیاوند، نشریه اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۲۹، تهران، صص ۴۳-۴۰.
۱۲. زیاری، کرامت ا... و اسحاق جلالیان (۱۳۸۷): «مقایسه شهرستانهای استان فارس براساس شاخص‌های توسعه ۱۳۷۵-۱۳۵۵»، نشریه جغرافیا و توسعه، دوره ۶، شماره ۱۱، زاهدان، صص ۹۶-۷۷.
۱۳. سلیمی فر، مصطفی (۱۳۸۱): «مطالعه روند تغییرات سطح توسعه صنعتی و توسعه منطقه‌ای در ایران طی دوره ۱۳۷۵-۱۳۵۵»، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۱، تهران، صص ۱۰۶-۷۷.
۱۴. صادقی آرانی، زهرا و سید حبیب‌الله میر غفوری (۱۳۸۸): «تجزیه و تحلیل وضعیت توسعه‌یافتگی ورزشی استان‌های ایران طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۵»، مجله پژوهش در علوم ورزشی، شماره ۲۴، تهران، صص ۱۰۳-۱۲۰.
۱۵. صدقی بوکانی، ناصر و صلاح صوفی (۱۳۸۹): «نقش آموزش عالی در توسعه ملی با تأکید بر آمایش سرزمین»، مجموعه مقالات همایش منطقه‌ای بومی‌سازی مدل پیشرفت آموزش عالی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، صص ۱۲۰-۱۰۷.
۱۶. فرجادی، غلامعلی (۱۳۷۳): توسعه و نیازهای اساتید، مجموعه مقالات سمینار جامعه‌شناسی، جلد اول، انتشارات سازمان سمت، چاپ اول، تهران.
۱۷. قائد رحمتی، صفر و همکاران (۱۳۸۹): «تحلیلی بر درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان»، نشریه آمایش محیط، دوره ۳، شماره ۹، ملایر، صص ۱۱۳-۹۷.
۱۸. مرصوصی (۱۳۸۳): «توسعه یافتگی و عدالت اجتماعی شهر تهران»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، دوره ۴، شماره ۱۴، تهران، صص ۳۲-۱۹.
۱۹. مرکز آمار ایران، (۱۳۹۰): نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
۲۰. مصلی نژاد، غلامعباس (۱۳۸۴): دولت و توسعه اقتصادی ایران، نشر قومس، چاپ اول، تهران.

۲۱. معاونت برنامه‌ریزی و توسعه شهری، اداره کل برنامه و بودجه (۱۳۹۱): بودجه مصوب سال ۱۳۹۱ شهرداری تهران، انتشارات پیام‌رسا وابسته به شهرداری تهران.
۲۲. منتظری، رسول و عباس ملازاده (۱۳۹۱): «تنوع و پایداری درآمدی در اقتصاد شهری با تأکید بر مشارکتهای شهروندی»، نشریه اقتصاد شهر، بخش ویژه، شماره ۱۵، تهران، صص ۵۴-۴۴.
۲۳. منفردیان سروسنایی، محسن (۱۳۸۶): «رتبه بندی مناطق مختلفشهری شهر شیراز از لحاظ درجه توسعه یافتگی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد رشته توسعه و برنامه‌ریزی، دانشگاه اصفهان.
۲۴. مولایی، محمد (۱۳۶۸): «مقایسه درجه توسعه یافتگی بخش خدمات و رفاه اجتماعی استان‌های ایران طی سالهای ۱۳۷۳ و ۱۳۸۳»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، دوره ۶، شماره ۲۴، تهران، صص ۲۵۸-۲۴۱.
۲۵. هاروی، دیوید (۱۳۷۹): «عدالت اجتماعی و شهر، ترجمه فرخ حسامیان و همکاران، انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، چاپ دوم، تهران.

26. Chakrabarty, B. K (1998): *Urban Management and Optimizing Urban Development Models, Habitat International, 4, pp: 503- 522.*
27. Davies, B. (1968): *Social Needs and Resources in Local Services: A Study of Variations in Provision of Social Services between Local Authority Areas, Social Policy & Administration, 4, pp: 284- 295.*
28. Hadder, R. (2000): *Development Geography. Routledge publication, London & New York.*
29. Shorrocks, A. and W. Guanghua, (2004): *Spatial Decomposition of Inequality, World Institute for Development Economics”, United Nation University, 1, pp: 1- 2*
30. United Nation (2006): *social justice in an open world, The Role of the united nations, United Nations publication, New York.*